

## نگاهی به فرهنگ مالیاتی در ایران



صابر قربانی

Ghorbani1360@yahoo.com

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی



### چکیده

این مقاله مفهوم مالیات و فرهنگ مالیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مالیات در قانون اساسی، انواع مالیات، ویژگی‌های مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، اهداف برقراری مالیات، آثار اقتصادی مالیات‌ها، دیدگاه‌های رایج برای اجرای عدالت مالیاتی، فرهنگ مالیاتی و نظام مالیاتی ایران از بعد فرهنگی، مباحث این مقاله را تشکیل می‌دهند.

در اصل ۵۱ قانون اساسی آمده است: هیچ نوع مالیاتی وضع نمی‌شود، مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی (هم) به موجب قانون مشخص می‌شود. این اصل دو مطلب را تعیین می‌کند: الف) حق وضع مالیات به قانون و قوه مقننه منحصر می‌شود تا هر مسئول اجرایی نتواند بر اساس نیازهای محلی و سلیقه‌های شخصی، مالیات وضع کند. ب) این قانون خدشه‌ناپذیر است. اگر به حکم قانون، مالیاتی قرار داده شد، کسی نمی‌تواند از طرف خود مواردی را معاف کند یا کمتر از مقدار مقرر بگیرد. دولت نیز نمی‌تواند در این قانون یا هر قانون دیگر تصرف و آن را کم یا زیاد کند. اگر هم در مواردی امکان معاف شدن یا تخفیف یافتن وجود دارد، باید در متن قانون به آن تصریح شود (سادات طاهر، ۶۷: ۱۳۸۶).

### انواع مالیات

مالیات از جمله پرداختنی‌هایی است که سابقه دیرینه دارد. از پول زوری که دولت می‌گیرد تا پولی که با رضایت به دولت می‌دهیم تا خرج خودمان کند و ما همه افراد جامعه از آن بهره مند می‌شویم (بابایی و لبافی، ۵۶: ۱۳۷۸). مالیات

مبلغی است که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات بر طبق قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عمومی می‌گیرد و افزون بر خصلت اجباری بودن، خصوصیت بارز مالیات، یک طرفه بودن و عدم تناسب میان میزان مالیات و ارزش خدمات عمومی (که مالیات دهندگان از آن برخوردار می‌شوند) است. مالیات به عنوان یک هزینه اجتماعی است که شهروندان یک جامعه در قبال استفاده از امکانات و خدمات عمومی باید پرداخت کنند (نوری خانیوردی، ۳۶: ۱۳۸۱).

مالیات عبارت است از تعهد مالی و قانونی شخص حقیقی نسبت به دولت و در واقع، مالیات حق اجتماعی است بر گردن کسانی که در سایه مواهب جامعه به زندگی و کار مشغول‌اند یا مالیات سهمی از حاصل کار و تلاش افراد است که به جامعه تعلق می‌گیرد (برنامه

سیاست‌های مالی و مالیاتی از طریق تصحیح و تثبیت فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف نه تنها به تأمین منابع مالی دولت بلکه به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. بنابراین اعمال صحیح سیاست‌های مالیاتی را می‌توان وسیله‌ای برای افزایش تحرک، پویایی اقتصادی و حرکت به سمت توسعه اقتصادی- اجتماعی تلقی کرد. از سوی دیگر اجرای سیاست‌های ناصحیح مالیاتی، موجب ضعف بخش‌های مختلف اقتصادی و عدم تأمین منابع مالی دولت از این روش و کند شدن حرکت توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود (شیرخانی، ۴۱: ۱۳۸۵). مالیات‌ها از عمومی‌ترین مراجع درآمدی‌اند که برخلاف بسیاری از هزینه‌ها، بر قوانین فارغ از زمان مبتنی هستند؛ یعنی قوانینی که به زمان

خاصی محدود نمی‌شوند و همیشه برقرارند. از آنجا که ارزش و اهمیت مالیات‌ها در سیستم‌های مالیاتی طی زمان، خود به خود تغییر می‌کند، همیشه اصلاح و تغییر مالیات‌ها ضروری است (ایسینگ، ۲۰۴: ۱۳۷۸). پیشرفت کشورهای روبه توسعه در گرو توسعه صنعتی است. توسعه صنعتی میسر نخواهد شد مگر با تخصیص بهینه منابع و از جمله منابع مالی. کشورها برای

تأمین منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی معمولاً از دو راهکار سود جسته‌اند: درآمد مالیاتی و درآمد حاصل از فروش منابع زیرزمینی. کشور ما همواره راه دوم را برگزیده است. این گزینش، فرهنگی را ترویج داده است که مالیات گریزی تنها یکی از پدیده‌های آن است. پدیده دیگر که در میدان اقتصاد، خود را نشان می‌دهد، پایین بودن نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است، در صورتی که امروزه اندیشمندان اقتصادی اتفاق نظر دارند که مالیات، سالم‌ترین منبع مالی برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و محرکی مهم برای رشد و توسعه اقتصادی است. در عین حال قوانین و مقررات مالیاتی به عنوان اهرمی قوی در سیاست‌های کلان کشور نقش ایفا می‌کند. از همین رو لازم است از این ابزار نیرومند به درست‌ترین شیوه استفاده شود (نژاد عمران، ۶: ۱۳۷۳).



و بودجه، ۱۳۸۶:۱). به عبارت دیگر، مالیات یک نوع پرداختی است که توسط افراد جامعه به دولت (در قبال استفاده از امکانات و خدمات عمومی) داده می‌شود (Taylor, 1998:118).

تقسیم‌بندی مالیات‌ها به مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم، عمده‌ترین نوع طبقه‌بندی مالیات در آمارهای دولتی در سطح بین‌المللی است. در ساختار بودجه کشور ایران نیز درآمدهای مالیاتی در نخستین طبقه بندی به دو گروه مذکور تقسیم می‌شوند (زنجانی و دهقانی، ۱۳۴: ۱۳۸۶). مالیات‌های مستقیم با توجه به اوضاع و احوال اشخاص (مانند میزان دارایی و درآمد آنان) وضع می‌شود (اقتداری، ۲۶۸: ۱۳۷۸). در ارزیابی مالیات مستقیم، باید مطرح کرد که این نوع مالیات در مواردی شیوه مناسبی در اخذ مالیات محسوب می‌شود، یعنی در زمانی از افراد با درآمد بالا مالیات بیشتر گرفته شود و آنان که درآمد کمتری دارند مالیات کمتری بپردازند. در این صورت بعد رعایت عدالت اجتماعی و اخذ مالیات قابل اعمال است؛ به طوری که افراد کم درآمد جامعه مانند حقوق بگیران نسبت به برخی از افراد پردرآمد جامعه (واسطه گران و...) مالیات بیشتری می‌پردازند. علت این امر آن است که شناسایی افراد مشمول این مالیات و میزان سوددهی آنان بسیار مشکل است. بنابراین امکان فرار مالیاتی در این گروه وجود دارد، در حالی که حقوق بگیران درآمدهای مشخص دارند و اخذ مالیات از آنها به سادگی صورت می‌گیرد و این امر بعد عدالت اجتماعی را خدشه دار می‌کند. از سوی دیگر با توجه به حجم کم تولیدات کشور و نیاز به تشویق تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران، اخذ این نوع مالیات موجب کاهش انگیزه گروه‌های یادشده و کاهش تولیدات کشور خواهد شد (شیرخانی، ۹: ۱۳۸۴). مالیات‌های غیر مستقیم، مالیات‌هایی هستند که پرداخت کننده آن مشخص و معین نیست و تحقق مالیات بستگی به یک قسمت از فعالیت‌های اقتصادی و عملیات افراد دارد و قابلیت انتقال آنها بسیار زیاد است. این مالیات‌ها بیشتر بر مصرف اشیا و فروش کالا و استفاده از خدمات بستگی دارد (عزیزی، ۱۳۸: ۱۳۸۵).

### اهداف برقراری مالیات

اولین هدف از وضع و جمع‌آوری مالیات، تأمین مالی هزینه‌های دولتی است. در کشورهایی که دارای نظام

مالیاتی کارآمدی هستند، درآمدهای مالیاتی گاهی بالغ بر نزدیک ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی نیز می‌شود. هر چه میزان بیشتری از هزینه‌های دولت توسط مالیات تأمین شود، نظام مالیاتی از انسجام و قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود، زیرا راه‌های دیگر تأمین هزینه (فروش منابع ملی و استقراض) از نظر اقتصادی توجیه کافی ندارند. از طریق مالیات می‌توان از یک سری درآمدهای بالا کاست و درآمدهای حاصل را جهت بهبود زندگی قشرهای کم درآمد جامعه به کار برد. اصولاً در موارد زیادی، در صورتی که مالیات اعمال نشود و یا به طور نامناسب برقرار شود، اختلاف درآمدی شدید می‌تواند بین اقشار مختلف مردم حاکم شود. دولت‌ها از این ابزار برای توزیع مجدد درآمد و ثروت استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، مالیات یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌های مالی دولت محسوب می‌شود. تأمین رفاه اجتماعی و کارایی اقتصادی مستقیماً تحت تأثیر موفقیت یک نظام مالیاتی است. علاوه بر هدف توزیعی، مالیات گاهی در راستای تحقق هدف تشبیتی نیز به کار می‌رود. در اینجا کاهش مالیات می‌تواند از یک سو در شرایط رکود و بیکاری، باعث گسترش فعالیت‌های اقتصادی و با فرض ثبات سایر عوامل محرک فعالیت‌های اقتصادی شود. همین‌طور در شرایط تورمی نیز مالیات می‌تواند از طریق کاهش تقاضای کل جامعه در راستای تحقق تشبیت قیمت‌ها حرکت کند. با تغییر تعرفه‌های مالیاتی این امکان وجود دارد که بتوان وضع واردات و صادرات و چارچوب تراز بازرگانی و به طور کلی روابط اقتصاد بین‌المللی را بهبود داد. حتی مالیات می‌تواند ابزاری برای کنترل مصرف برخی کالاها محسوب شود. اگر دولت درصدد کاهش مصرف کالایی باشد، می‌تواند از طریق افزایش مالیات بر آن، موجب کاهش مصرف آن را فراهم کند (دادگر کرماجانی، ۱۳۷ - ۱۳۵: ۱۳۷۸). هر چند که یک نظام کارآمد مالیاتی، مطلوب و ایده آل به نظر می‌رسد، ولی یک نظام مالیاتی تنها براساس یک معیار مورد قضاوت قرار نمی‌گیرد. در واقع از نظر بسیاری از مردم، اعمال یک توزیع مناسب درآمد به وسیله نظام مالیاتی، مهم‌تر از کارایی نظام مالیاتی است. در جریان ایجاد یک نظام مالیاتی، هدف اساسی، برقراری تعادل بین کارایی نظام و توزیع درآمد است.

## آثار اقتصادی مالیات‌ها

در ادبیات مالیه عمومی گفته می‌شود که مالیات، پدیده‌ای خنثی نیست و تأثیر قابل توجهی بر متغیرهای اقتصادی و رفتارهای مرتبط با آنها دارد. البته نوع مالیات و چگونگی اعمال آن بر نتیجه آن مؤثر است (دادگر کرماجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۵). چنانچه در اقتصاد، پس از وضع مالیات‌های مختلف، هیچ‌گونه تغییری در تولید کالا، خدمات، نرخ رشد اقتصادی و توزیع درآمد صورت نگیرد، می‌توان گفت مالیات‌ها هیچ‌گونه اثر اقتصادی نداشته‌اند. اما واضح است که مالیات‌ها چه مستقیم مانند مالیات بر درآمد اشخاص و شرکت‌ها و چه غیرمستقیم مانند مالیات بر مصرف و فروش، آثار اقتصادی گوناگونی دارند؛ به طوری که امروز نظام مالیاتی را نمی‌توان خنثی تلقی کرد. افراد در تصمیم‌گیری مسائل مختلف اقتصادی خود مانند مصرف، تولید، کار، پس‌انداز و غیره، مالیات‌ها را در نظر می‌گیرند. از دیدگاه اقتصادی، بهترین نظام مالیاتی، نظامی است که دارای مطلوب‌ترین آثار اقتصادی باشد یا اینکه آثار نامساعد اقتصادی را به حداقل برساند. مفهوم آثار اقتصادی مالیات، مفهوم وسیعی است که تمامی تغییرات ناشی از مالیات را در برمی‌گیرد (جعفری صمیمی، ۵۴-۵۳: ۱۳۷۱).

## ظرفیت مالیاتی

ظرفیت مالیاتی یعنی توان اقتصادی یک کشور در تحمل فشارهای مالیاتی. برای اندازه‌گیری و تعیین ظرفیت مالیاتی از مفهوم **ظرفیت مالیاتی از ظرفیت درآمد سرانه** استفاده می‌شود. همچنین حجم درآمد ملی و جمعیت کشور در تعیین ظرفیت مالیاتی نقش دارد. معمولاً هر چه درآمد ملی زیاده‌تر باشد، نظام اقتصادی کشور توان جذب مالیات بیشتری را خواهد داشت. باید توجه داشت که ظرفیت مالیاتی در دوران‌های مختلف اقتصادی تغییر می‌کند. مثلاً در دوران رونق، تورم و جنگ افزایش می‌یابد. تغییرات در ظرفیت مالیاتی از تقسیم مالیات وصول شده بر درآمد ملی کشور به دست می‌آید و برای مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم به طور متفاوت در نظر گرفته می‌شود (رنگریز

و خورشیدی، ۳۵: ۱۳۸۳).

## عوامل مؤثر در ظرفیت مالیاتی

**الف) عوامل انسانی:** ظرفیت مالیاتی از بعد انسانی، علاوه بر میزان و هرم سنی جمعیت یک کشور (از بعد میزان تولیدات و توان پرداخت مالیات) به عکس‌العمل آن جمعیت نسبت به پرداخت مالیات‌ها (فرهنگ مالیاتی) و ترکیب طبقاتی افراد کشور بستگی دارد که در فرهنگ و تاریخ هر کشور ریشه دارد.

**ب) عوامل اقتصادی:** عوامل اقتصادی در ظرفیت مالیاتی، به ماهیت اقتصادی یک کشور از لحاظ صنعتی، کشاورزی، خدماتی، شرایط اقتصادی حاکم بر آن کشور، توزیع فعالیت‌های اقتصادی از لحاظ بخش خصوصی، تعاونی و دولتی، ترکیب درآمدی و توزیع ثروت بین طبقات مختلف کشور بستگی دارد. رشد اقتصادی منجر به افزایش درآمد سرانه و در نتیجه گسترش ظرفیت مالیاتی می‌شود.

**ج) عوامل سیاسی:** عوامل سیاسی از بعد ارتباط دولت با مردم، فرهنگ مشارکت مردم و پاسخگویی کارگزاران دولتی، بر ظرفیت مالیاتی تأثیر می‌گذارند. البته عوامل سیاسی از طریق شرایط خاص مانند جنگ، بحران‌های بین‌المللی، بحران‌های اقتصادی داخل کشور و ثبات در سیاستگذاری نیز بر ظرفیت مالیاتی یک کشور مؤثرند (پایتختی اسکویی و بشارت، ۱۱۴: ۱۳۸۴).

## عدالت مالیاتی

عادلان بودن سیستم مالیاتی یک مسئله فنی - اقتصادی نیست، بلکه یک فلسفه انسانی است، بنابراین نمی‌توان تعریف خاصی از عدالت مالیاتی ارائه و آن را به شرط معینی محدود کرد (مهندس و تقوی، ۱۲۱: ۱۳۸۳). عدالت مالیاتی خیلی مهم است و مالیات باید به اندازه وسیع مردم و فعالان اقتصادی گرفته شود. این پرسش، همیشه وجود دارد که وقتی کارمندان دولت بلافاصله مالیات می‌دهند و از فیش حقوقی آنها کسر می‌شود، چرا افراد دیگری به راحتی

**باید بتوانیم این را در باور جامعه ما بکنجانیم که به هر حال اگر به دنبال توسعه اقتصادی اجتماعی هستیم، حتماً بایستی این امر با یک مشارکت عمومی صورت بگیرد و مالیات به عنوان یکی از بهترین منابع تأمین درآمدی دولت برای تأمین و رفع نیازهای جامعه است**

پرداخت مالیات را تا سه یا چهار سال و بیشتر به تأخیر می‌اندازند؟ با فعالان اقتصادی باید به گونه‌ای برخورد شود که مالیات، با درآمد و سود آنها باشد و بهنگام دریافت شود تا فرار مالیاتی و تأخیر در پرداخت مالیات را شاهد نباشیم (شمشیری، ۳: ۱۳۸۶). عدالت مالیاتی به دو نوع تقسیم می‌شود: یکی عدالت افقی که مقصود از آن، دریافت یکسان از افرادی است که از درآمد و شرایط مشابه برخوردارند و دوری و نزدیکی به کانون‌های قدرت نباید باعث امتیازی گردد (توکلی، ۱۹۸: ۱۳۸۲). دیگری عدالت عمودی که به اصل قدرت پرداخت تعبیر می‌شود و آن است که مالیات‌ها باید با اشخاصی که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند، به صورت نامساوی برخورد مالیاتی شود (میردریگوند، ۹۳: ۱۳۸۱).

### دیدگاه‌های رایج برای اجرای عدالت مالیاتی

برای اجرای عدالت مالیاتی سه دیدگاه وجود دارد. این سه دیدگاه عبارت‌اند از:

۱. **نظریه قدرت پرداخت:** براساس این نظریه هر کس که قدرت توانایی بیشتری در پرداخت انواع مالیات داشته باشد، بایستی مالیات بیشتری بپردازد.
۲. **نظریه نفع حاصله از خدمات:** براساس این نظریه، پرداخت انواع مالیات با منافع حاصله از خدمات دولت متناسب است. مشکلی که این روش دارد، عدم اندازه‌گیری درست و صحیح استفاده افراد از خدمات است.
۳. **نظریه عدالت مالیاتی در راستای عدالت اجتماعی:** براساس این نظریه، قدرت مالیات‌بندی بر توزیع مجدد درآمد از طبقات بالاتر به طبقات پایین‌تر اجتماع مبتنی است و تقریباً همه بار مالیاتی، بر دوش طبقات ثروتمند جامعه تحمیل می‌شود (رنگریز و خورشیدی، ۴۰ - ۳۹: ۱۳۸۳).

### از تعدد نرخ‌ها تا جرایم مالیاتی

مقررات مالیاتی فعلی کشور، با وجود تعدیلاتی که در سال ۱۳۸۰ در آن به عمل آمده، چالش‌های بسیاری را برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران سبب می‌شود. در ادامه به برخی از چالش‌های مالیاتی امروز اقتصاد کشور اشاره می‌کنیم:

**الف) نرخ‌های مالیاتی:** برای تعیین میزان مالیات‌ها، معمولاً روش‌های مختلفی وجود دارد که رایج‌ترین آن، نرخ‌های

تصاعدی است. در این روش، نرخ مالیات‌ها همزمان با رشد درآمدها، افزایش می‌یابد. بدین منظور، در ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم، نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی از ۱۵ تا ۳۵ درصد برای درآمدهای ۳۰ میلیون ریال تا مازاد بر یک میلیارد ریال تعیین شده است. در مورد اشخاص حقوقی نیز بنا بر ماده ۱۰۵ قانون، نرخ ۲۵ درصد درآمد تعیین گردیده است. در این میان، دو نکته باید در مورد نرخ‌های مالیاتی مورد توجه قرار گیرد. نکته اول، بالا بودن نرخ‌های مالیاتی و نکته دوم، تنوع این نرخ‌هاست که برای سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع، مشکل‌آفرین شده است.

**ب) تشریفات وصول و ایصال مالیات‌ها:** تشریفات و روش‌های اجرای وصول مالیات، یکی دیگر از مشکلاتی است که مودیان و بویژه گروه صاحبان صنایع و کارفرمایان با آن مواجه هستند و به همین دلیل، همواره بر لزوم اصلاح تشریفات وصول و ساختار مالیاتی کشور تأکید می‌کنند. همان‌طور که در طرح سامان‌دهی اقتصادی اشاره شده است، ساختار نظام مالیاتی فعلی کشورمان، هم از نظر تعرفه‌های مالیاتی و هم از نظر روش‌های اجرایی و نظام وصول مالیات‌ها، نیازمند اصلاح و بازنگری است، زیرا در هر دو زمینه فاقد کارایی بوده و از نقطه ضعف‌هایی رنج می‌برد. بر همین اساس بود که در سال ۱۳۸۰ قانون مالیات‌ها اصلاح شد، ولی این اصلاحات به طور کامل نتوانست مسائل و مشکلات مالیاتی اقتصاد کشور را مرتفع سازد. تشریفات وصول مالیات شامل تنظیم اظهارنامه مالیاتی همراه با ترازنامه سود و زیان، به‌روز بودن دفاتر و دیگر مدارک و اسناد از یک سو و تعدد افراد و مراجع رسیدگی‌کننده به اظهارنامه مالیاتی و دیگر مدارک مودیان از سوی دیگر، بر مشکلات و پیچیدگی‌های جمع‌آوری و پرداخت مالیات افزوده است.

**ج) مراجع رسیدگی به اختلافات مالیاتی:** مراحل رسیدگی به اختلافات مالیاتی، از جمله مشکلاتی است که صاحبان صنایع، کارفرمایان و کارآفرینان با آن مواجه هستند. مهم‌ترین ضعف در این حوزه، مربوط به طول مدت رسیدگی است، زیرا طرفین اختلاف یعنی مودیان و واحدهای مالیاتی، مدت زمان درازی را با سرگردانی طی می‌کنند تا به نتیجه‌ای مشخص دست یابند. مشکل دیگر در این زمینه، هزینه‌های سنگین مربوط به تشریفات وصول مالیات است. اما تمامی



مسائل و مشکلات یاد شده را که منجر به اتلاف وقت و انرژی زیادی می‌گردد، می‌توان با رعایت اصول ذکر شده مانند اصل برائت و اصل اطمینان به مودیان مالیاتی از میان برداشت و یا به حداقل رساند. البته به اصل دیگری به نام ارتقای فرهنگ مالیاتی جامعه نیز نیازمندیم. در این راستا، تمامی مدیران و کارفرمایان باید نسبت به نقش و اهمیت مثبت مالیات در چرخه زندگی و جامعه آگاه شده و ایمان داشته باشند.

**د) جرایم مالیاتی و مجازات‌های آن:** قانونگذار برای نیل به هدف دریافت مالیات‌ها، ضمانت اجرایی نظیر تنبیه و جریمه را پیش‌بینی کرده که مخصوص افرادی است که از پرداخت مالیات خودداری می‌کنند. برای مثال، ماده ۱۹۰ قانون مالیات‌های مستقیم، به جریمه افرادی که از پرداخت بموقع مالیات سر باز می‌زنند، اختصاص یافته است. این

جریمه‌ها به موجب ماده ۱۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم، از ۱۰ درصد مالیات متعلقه شروع و به ممنوعیت خروج از کشور پایان می‌یابد. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که موضوع مالیات‌ها، تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر وضع یک واحد تولیدی و اداره آن بر جای می‌گذارد و همین امر، چالش‌هایی را در امر تولید و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده و سبب می‌شود تا کارآفرینان کمتر به سرمایه‌گذاری مجدد و توسعه فعالیت‌های تولیدی-صنعتی بپردازند.

### فرهنگ مالیاتی

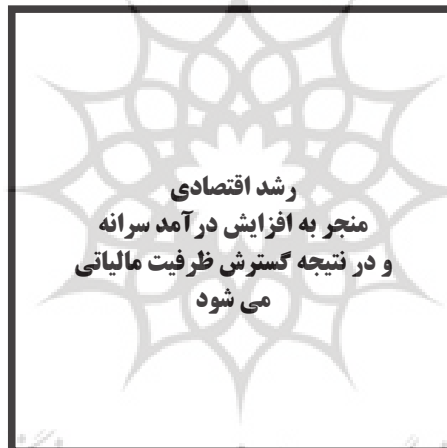
فرهنگ مالیاتی عبارت است از بررسی جریان فرهیختگی در عناصر مادی و معنوی پرداخت مالیات از سوی شهروندان و دریافت آن از سوی دولت و هزینه کرد آن (ثاقب فرد، ۱۶: ۱۳۸۶). به عبارتی دیگر، مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش، برداشت، آرمان‌ها، ارزش‌های اجتماعی، قوانین جاری و میزان آگاهی مردم از مالیات، فرهنگ مالیاتی را می‌سازد (جلال آبادی و عزیز خانی، ۲: ۱۳۸۴).

### نظام مالیاتی ایران از بعد فرهنگی

عملکرد نظام مالیاتی ایران در بعد فرهنگی، بیش از هر

عامل به میزان قدرت آن در نظام اقتصاد کشور بر می‌گردد. مالیات از جمله حلقه‌های زنجیر اقتصادی است که فاقد اثرگذاری قابل ملاحظه است. با این حال مهم‌ترین دلیل بروز این وضع، چسبیدگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از نفت است که هم به دلیل خاصیت جانشینی با درآمدهای مالیاتی، آن را در موضع ضعف قرار داده است و هم منجر به تولید رانت در اقتصاد شده است. همچنین اقتصاد دولت محور در ایران، اخذ مالیات را از لحاظ اقتصادی بی‌تأثیر می‌کند و جز تأثیر حسابداری، فاقد آثار سیاستگذاری می‌شود. این وضع در بلند مدت به لایه‌های اجتماعی هم نفوذ می‌کند و آنان نیز به عنوان کارگزاران اقتصادی می‌آموزند که مالیات ندهند یا سعی کنند از معافیت‌های مالیاتی، بیشترین بهره را ببرند و سهم بیشتری از درآمدهای نفتی را از آن خود سازند. ادامه این وضع، بیش از هر چیز به فرهنگ مالیاتی آسیب می‌زند و پس افتادگی

فرهنگی را سرعت می‌بخشد. دلیل دیگر پس افتادگی فرهنگ مالیاتی، نداشتن استراتژی مدون رفاهی است. اگرچه دولت در ایران به استناد اصل ۲۹ قانون اساسی یک دولت رفاهی شناخته می‌شود و موظف است با برقراری نظام فراگیر رفاه اجتماعی، فرصت‌های برابر در اختیار شهروندان قرار دهد. باید قبول کنیم وقتی حضور مالیات در تأمین هزینه‌های معمول زندگی مردم، کمرنگ می‌شود، فرهنگ مالیاتی رشد نمی‌کند. نخبگان و روشنفکران جامعه نیز از موانع توسعه یافتگی فرهنگ مالیاتی در ایران بوده‌اند، زیرا روشنفکران ایرانی به دلیل ساختارهای جامعه ایرانی، به بخش خصوصی وابستگی نداشته‌اند یا امکان فعالیت مستقل برای آنها فراهم نبوده است و بسیاری در دانشگاه‌هایی تدریس می‌کنند که در اختیار کامل نهاد دولت است. این شرایط جایی برای دفاع از فرهنگ مالیاتی نمی‌گذارد. به سختی بتوان ردپایی از پرداخت مالیات و مهم بودن آن برای توسعه کشور در آثار ادبیات داستانی و دیدگاه‌های اجتماعی و فلسفی یافت. این موضوع دقیقاً برعکس کشورهای توسعه یافته است که روشنفکران اجتماعی نسبت به وظیفه بودن پرداخت مالیات و نحوه هزینه کرد آن بسیار حساس هستند. مالیات نسبت



شوریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

به دیگر ارزش های اجتماعی، جایگاه کمتری در فضای رسانه‌ای و تبلیغات کشور دارد. به جز سازمان امور مالیاتی به عنوان متولی رسمی امور مالیاتی کشور، کمتر نهاد یا سازمان دیگری پیدا می‌شود که خود را موظف به تشویق پرداخت مالیات در کشور کند (ثاقب فرد، ۱۲: ۱۳۸۶).

### نتیجه گیری

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان عوامل مؤثر در ترویج و ارتقای فرهنگ مالیاتی را چنین بیان کرد:

### الف) عوامل درون سازمانی

۱. نظام اطلاعاتی مناسب: توسعه یافتگی فرهنگ مالیاتی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی نظام مالیاتی ما است. وقتی می‌گوییم فرهنگ مالیاتی، یعنی مجموعه رفتارها و مناسبات بین مودیان مالیاتی یا دستگاه مالیاتی کشور و نهایتاً نظام مالیاتی با آحاد جامعه. برای گسترش و توسعه این فرهنگ هم بایستی اطلاع رسانی بموقع و کافی و مستمر انجام بگیرد و هم بایستی به مردم گفته شود که چرا بایستی مالیات دریافت شود و این مالیاتی که گرفته می‌شود به چه مصارفی می‌رسد. باید بتوانیم این را در باور جامعه ما بگنجانیم که به هر حال اگر به دنبال توسعه اقتصادی اجتماعی هستیم، حتماً بایستی این امر با یک مشارکت عمومی صورت بگیرد و مالیات به عنوان یکی از بهترین منابع تامین درآمدی دولت برای تأمین و رفع نیازهای جامعه است که به صورت وظیفه به دولت محول شده است.

فرهنگ سازی در عرصه مالیات فقط به مردم مربوط نمی‌شود، بلکه دولت هم در این زمینه وظایفی دارد که باید به آنها توجه کند، چون دولت هم مالیات می‌گیرد و هم آن را هزینه می‌کند. بنابراین باید مردم درباره نحوه دریافت مالیات و عادلانه بودن و متوازن بودن آن و همچنین عدالت در هزینه کردن آن، اطلاعات و شناخت شفافی داشته باشند. در این زمینه باید دولت اطلاع رسانی کند و صورتحساب هزینه خود را در اختیار شهروندان قرار دهد. سازمان مالیاتی باید از طریق رسانه‌های گروهی، مزایای پرداخت مالیات را به عنوان یک وظیفه کلی و در قالب اینکه مالیات چه تأثیری در زندگی اجتماعی دارد، چه آثاری در آبادانی دارد، چه آثاری در توزیع مجدد ثروت دارد، چه آثاری در تخصیص

منابع دارد و با زبانی که برای عامه مردم قابل درک باشد، بیان کند.

۲. مدیریت صحیح منابع انسانی: توسعه نیروی انسانی دستگاه مالیاتی یک امر ضروری است که از آن به عنوان دانش مالیاتی نام می‌برند. در دستگاه مالیاتی، کمبود نیروی انسانی داریم که باعث می‌شود مردم برای پرداخت مالیات، در صف بایستند. از طرف دیگر، یا مالیات‌ها شناسایی نمی‌شود یا حق دولت تضعیف می‌شود.

ابتدایی ترین حرکت در مسیر توسعه نظام مالیاتی و اجرای بهینه طرح جامع مالیاتی و دیگر لوايح و طرح‌ها این است که نسل جدیدی از نیروی انسانی پرورش یابند و اجرای نظام مالیاتی را بر عهده بگیرند تا بتوانند به خواسته‌های منطقی مردم و مسئولان پاسخ شایسته بدهند. باید تک تک مأموران دستگاه نظام مالیاتی دارای قدرت جاذبه در مالیات ستانی و واجد شناخت کامل از مدل‌ها و الگوهای مالیاتی و حامل دانش و اندیشه جدیدی باشند. نقطه آغاز توسعه نیروی انسانی، آموزش هدفمند و کاربردی است و مأموران و کارکنان نظام مالیاتی باید علاوه بر آشنایی با همه سیستم‌های جدید مالیات ستانی و مبانی نوین مالیاتی در کشور و همچنین ابعاد جدید مالیات ستانی در عرصه اقتصاد جهانی و مملکتی، قدرت درک مالی و اجرایی داشته باشد.

۳. سازمان مناسب مالیاتی: کشور ما به جهت اینکه از یک سیستم مستحکم و یکپارچه و مکانیزه در نظام مالیاتی برخوردار نیست، با چالش‌های متعددی روبروست. برای اصلاح این سیستم، باید مهندسی جدیدی را در نظام مالیاتی کشور اجرا کنیم و تفکر سیستمی را ترویج کنیم. برای ایجاد این تفکر سیستمی در نظام مالیاتی، به عنوان اولین راهکار باید عواملی را که در نظام مالیاتی کشور مؤثرند. شناسایی کنیم. از آنجا که عوامل تأثیرگذار در نظام مالیاتی صرفاً عوامل درونی نیستند و عوامل محیطی و بیرونی اقتصادی نظیر تورم و... نیز در بحث نظام مالیاتی نقش دارند، در نتیجه ما هم باید عوامل محیطی را در نظام مالیاتی شناسایی کنیم و در نظام مهندسی مجدد و هم عوامل درونی و بیرونی را مدنظر قرار دهیم.

### ب) عوامل برون سازمانی

۱. قوانین مناسب مالیاتی: بحث عدم شفاف سازی در نظام

مالیاتی یکی از دلایلی است که عدم اعتماد ایجاد کرده است. وجود قوانین زیاد و نرخ‌های مالیاتی متعدد، از جمله مشکلات دیگری است که در نظام مالیاتی ما وجود دارد. بخشی از این مشکلات، به این دلیل است که مودیان مالیاتی با قوانین و مقررات و حقوق اجتماعی خودشان کاملاً آشنا نیستند. مأموران مالیاتی به دلیل حجم قوانین مالیاتی، گهگاه با آنها آشنایی کامل ندارند که این موجب شده است که نوعی عدم اعتماد میان مردم و مأموران مالیاتی به وجود آید. حجم گسترده و پراکنده نرخ مالیاتی در بخش‌ها و فرا بخش‌های نظام کشور یکی از این مصداق‌هاست. این حجم گسترده قوانین، منجر شده است حتی بهترین و متخصص‌ترین نیروهای مالیاتی هم، تسلط کاملی به قوانین نظام مالیاتی نداشته باشند و این ناآشنایی و عدم شناخت

نه تنها در مأموران مالیاتی مشاهده می

شود، بلکه در مودیان هم وجود دارد.

۲. رفتار مناسب دولت: یکی از مهم‌ترین مسائلی که ارتباط و همبستگی مستقیم با فرهنگ مالیاتی دارد، توسعه ادبیات و اقتصاد مالیاتی در میان مردم است. اگر دولت در رفتارهای مالیاتی خود اصول مردم - محور را رعایت و نهادینه کند و شناخت مردم از این برنامه‌ها و هزینه و درآمدهای مالیاتی افزایش یابد، مردم به طور غیر مستقیم بر هزینه مالیات نظارت خواهند داشت در آن صورت اعتماد مردمی نیز بیشتر می‌شود و مالیات علاوه بر کارکرد اقتصادی و درآمدسازی برای دولت، می‌تواند در فرهنگ و مشروعیت و مقبولیت مردمی نیز جایگاه خوبی کسب کند. □

## منابع

۱. ایسینگ، اوتمار (۱۳۷۸). سیاست اقتصادی عمومی، ترجمه: هادی صمدی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول.
۲. بابایی، علی اکبر و لبافی، مژگان (۱۳۷۸). فعالیت بنگاههای اقتصادی زیر چتر قوانین مالیاتی، مجله تدبیر، شماره ۹۵.
۳. برنامه و بودجه (۱۳۶۸). تحلیل درآمدهای مالیاتی استان آذربایجان شرقی، سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی تبریز.



### مهم‌ترین ضعف نظام مالیاتی در ایران، وابستگی تاریخی دولت‌ها به در آمد نفت است

۴. پایتختی اسکوئی، سیف علی و بشارت، علی (۱۳۸۴). مالیه عمومی و دولت اقتصادی، تبریز، نشر اختر، چاپ اول.
۵. توکلی، احمد (۱۳۸۲). مالیه عمومی، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول.
۶. ثاقب فرد، محمد (۱۳۸۶). پس افتادگی فرهنگی در مالیات، روزنامه اعتماد، شماره ۲۲۶۷.
۷. جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱). اقتصاد بخش عمومی (۲)، تهران، انتشارات سمت.
۸. جلال آبادی، اسدالله و عزیز خانی، فاطمه (۱۳۸۴). اظهار نظر کارشناسی درباره طرح تشکیل جامعه مشاوران رسمی مالیاتی ایران، مجله اقتصادی، شماره ۱۲۵۶، سال دوم، دوره هفتم.
۹. دادگر کرمانجی، یداله (۱۳۷۸). مالیه عمومی و اقتصاد دولت، تهران، مؤسسه فرهنگ و هنری بشیر علم و ادب، چاپ اول.
۱۰. رنگریز، حسن و خورشیدی، غلامحسین (۱۳۸۳). مالیه عمومی و تنظیم خط مشی مالی دولت، تهران، نشر بازرگانی مهر.
۱۱. زنجانی، ولیمقدم و دهقانی، علی (۱۳۸۶). مالیه عمومی و خط مشی مالی دولت، تهران، انتشارات ترمه، چاپ اول.

۱۲. سادات طاهر، فائزه (۱۳۸۶). روز مالیات / خلاصه کتاب مالیات در اسلام، مجله گلبرگ، شماره ۸۸.
۱۳. شمشیری، محسن (۱۳۸۶). معافیت‌های مالیاتی باید به حداقل برسد، روزنامه سرمایه، شماره ۲۲۲.
۱۴. شیرخانی، فریبا (۱۳۸۵). بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی، مجله اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارائی، سال ششم، شماره های ۵۴ و ۵۳، ص ۴۱.
۱۵. عزیززی، غلامرضا (۱۳۸۵). مالیه عمومی و خط مشی مالی دولت، تهران، انتشارات شهر آشوب.

۱۶. مهندس، ابوطالب و تقوی، مهدی (۱۳۸۳). مالیه عمومی، تهران، ناشر کتابخانه فروردین، چاپ نوزدهم.
۱۷. میردریگوند، علی (۱۳۸۱). مالیه عمومی، اراک، نشر نویسنده، چاپ اول.

۱۸. نژاد عمرانی، محمد تقی (۱۳۷۳). بنگاههای اقتصادی و مساله ای به نام مالیات، مجله تدبیر، شماره ۴۵.
۱۹. نوری خانپوردی، اصغر (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در شهرستان تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

20. Taylor, John B. (1998). Economics Second Edition, Houghton Mifflin Company.

صابر قربانی: کارشناس ارشد مدیریت دولتی - گرایش مدیریت مالی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد و مدرس دانشگاه پیام نور